

بررسی رابطه بین مولفه های حاکمیت شرکتی و بحران مالی بانک های خصوصی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

کریم نخعی^۱، مجید قلیزاده^۲

^۱ استادیار، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی بیرجند.

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی بیرجند.

نام نویسنده مسئول:

کریم نخعی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۹

چکیده

هدف این مقاله بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و بحران مالی بانک های خصوصی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران میباشد. اطلاعات استخراج شده در این پژوهش مربوط به بانک های خصوصی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در سال ۱۳۹۳-۱۳۹۸ بوده است. در این تحقیق ابتدا با محاسبه آماره های توصیفی علاوه بر پایش اطلاعات جمع آوری شده مشاهدات دور افتاده را شناسایی نموده ایم و سپس با استفاده از تحلیل های همبستگی و رگرسیون چند متغیره به روش پانل دیتا فرضیات تحقیق مورد آزمون قرار گرفته اند. در پژوهش حاضر، با کمک مدل تحلیل تفکیکی خطی شاخص بحران مالی را محاسبه شد که بر اساس آن نقطه تمیز بانک های دارای بحران مالی از بانک های فاقد بحران مالی در این مدل عدد ۱۰/۵۲۴ می باشد؛ یافته های مدل رگرسیونی نشان می دهد که در اجرای مدل تحقیق از روش پانل با اثرات تصادفی استفاده نموده ایم. از طرفی تاثیر متغیرهای وجود سهامداران نهادی و درصد مالکیت بر شاخص بحران مالی معنادار بوده است، البته نوع تاثیر گذاری سهامداران نهادی معکوس و درصد مالکیت دولتی مستقیم بوده است.

واژگان کلیدی: موسسات واسطه گر مالی، بحران مالی، بانکها، حاکمیت شرکتی.

مقدمه

حاکمیت شرکتی، قوانین، مقررات، ساختارها، فرآیندها، فرهنگ ها و سیستم هایی است که موجب دستیابی به هدف های پاسخگویی، شفافیت، عدالت و رعایت حقوق ذی نفعان می شود. امروزه پیشرفت های زیادی در زمینه موضوع حاکمیت شرکتی در سطح جهان به عمل آمده است و کشورهای پیشرو در این زمینه به مشارکت کنندگان در حاکمیت شرکتی و موضوع هایی از قبیل سهامداران و روابط با آن ها، مسئولیت پاسخگویی، بهبود عملکرد هیأت مدیره، کمیته های هیأت مدیره (نظیر کمیته حسابرسی، کمیته ریسک)، حسابرسان و نظام حسابداری و کنترل های داخلی، توجه ویژه ای معطوف می دارند. هیأت مدیره شرکت قلب آن محسوب می شود. وجود جریان نامحدود و صحیح اطلاعات در هیأت مدیره به اندازه جریان آزاد و دائم خون برای تندرستی و سلامت بدن مورد نیاز است [۱]. عواملی مانند اختلاس و سوء استفاده های مالی عمده و قابل توجه، افزایش سرمایه گذاری های بدون بازده، تسهیلات اعطایی بدون پشتوانه مناسب و همچنین بدون استفاده از روش های اعتبارسنجی و نداشتن مدیریت و لحاظ شدن ریسک های محیطی موجود در سیستم مالی بانک نظیر ریسک عملیاتی، ریسک نقدینگی، ریسک اعتباری، ریسک تمرکز، ریسک قانونی، ریسک نرخ بهره و ... می تواند بانک ها را به سمت بحران مالی و ورشکستگی سوق دهد [۲]. برای بانک ها که معمولاً از اهرم مالی بسیار بالایی برخوردار هستند و به طور متوسط بیش از ۹۰٪ از دارایی های آن ها از طریق سپرده ها و سایر بدهی ها تأمین می شود، موضوع عدم کفایت وجوه برای پیشبرد عملیات موسسه از اهمیت زیادی برخوردار است و در صورت ناتوانی درخصوص تأمین وجوه مورد نیاز سپرده گذاران با فشار و صف ناگهانی متقاضیان برای خروج منابع خود از بانک روبه رو خواهند شد که این موضوع در مدت کوتاهی بانک را با بحران ورشکستگی روبه رو خواهد کرد. ورشکستگی معمولاً دارای ۴ مرحله دوره نهفتگی، دوره کسری وجوه نقد، نبود قدرت پرداخت دیون مالی یا تجاری و نبود قدرت پرداخت دیون کامل و مرحله ورشکستگی، همراه است. نداشتن مدیریت صحیح و ناکارآمد پرتفوی دارایی ها و بدهی های عملیاتی بانک از لحاظ نوع تسهیلات و سپرده ها و زمان بندی آنها می تواند موجبات بروز ریسک عدم تطابق سررسیدها را فراهم کند و خطر ریسک نقدینگی را افزایش دهد. [۳] در شرایط ریسک نقدینگی، بانک ها به منظور امکان پاسخگویی سریع به مراجعه کنندگان برای جلوگیری از بروز بحران، مجبور به تأمین مالی با شرایط بسیار اسف بار و با نرخ بهره بالا می شوند که بحران مالی موجود را بیشتر می کند، به طوری که مجبور به فروش دارایی ها با قیمت بسیار پایین تر از قیمت معمول می شوند که آن هم زبانی مضاعف برای بانک ها به وجود خواهد آورد [۴].

در بسیاری از بانک های بحران زده، ریشه اصلی بحران در افزایش وام دهی بی رویه پیش از بحران تعریف شده است. حداقل در ۳۰ درصد از بانک های بحران زده این موضوع دلیل اصلی بحران بوده است. براساس برخی از تحقیقات انجام شده، میزان وام های غیر قابل بازگشت در بعضی از بحران ها تا ۷۵ درصد مجموع وام های بانکی نیز رسیده است، ولی در تحقیقی که لیون و والنسیا در سال ۲۰۰۸ انجام دادند، متوسط وام های بدون بازگشت نسبت به کل وام ها در بانک های بحران زده ۲۵ درصد اعلام شده است. [۸] مطالعات مربوط به بحران ها و ورشکستگی های اخیر حاکی از این است که اگر شرکت ها سیستم های مناسب کنترلی درخصوص مدیریت ریسک، استفاده از سیستم حسابرسی داخلی و تطبیق با مقررات و قوانین برای افزایش شفافیت صورت های مالی و گسترش فرهنگ پاسخگویی در بانک را به طور دقیق رعایت می کردند، می توانستند با شرایط بهتر و مطلوب تری در بحران خود را پیش برده و از خطرات احتمالی بحران یا ورشکستگی مصون بمانند. نظام حاکمیت شرکتی فرآیندی است که می تواند تا حدود زیادی پاسخگوی نیازهای مدیران موسسات واسطه گر مالی از جمله بانک ها و ذی نفعان آن ها درخصوص جلوگیری یا کنترل بحران باشد و آنها را در شرایط بحرانی یاری کند [۵].

بیان مساله

براساس معیارهای مبتنی بر حاکمیت شرکتی مناسب، بانک ها و سایر موسسات واسطه گر مالی باید به دنبال ساختار سازمانی مناسبی باشند تا تضمین شود که اگر ضوابط و مقررات در این ساختار رعایت شود، می توان ریسک را به حداقل رساند. بحران بانکی به وضعیتی اطلاق می شود که تعداد زیادی از بانک ها در یک کشور قادر به بازپرداخت دیون و بدهی های

خود نباشند. ذات حرفه بانکداری به علت ویژگی های خاص خود همواره مستعد دریافت بی ثباتی ها و ریسک ها و در درجه بالاتر انواع بحران ها است [۶].

ایجاد بحران موجب سلب اعتماد عمومی و هجوم سپرده گذاران به بانک ها برای بازپس گرفتن سپرده های خود می شود. این موضوع می تواند ورشکستگی های سریع برای بانک ها را به دنبال داشته باشد. افزایش شدید اعتبارات و نداشتن تطابق سررسید دارایی ها و بدهی های عملیاتی، سرمایه گذاری های نامناسب و نداشتن نظارت و ضعف مقررات، ضعف کنترل های داخلی، ریسک عملیاتی بالا، ضعف در مدیریت نقدینگی، سرمایه گذاری های ضعیف و توجیه نشده، به کارگیری ضعیف حسابرسی و سوء مدیریت از جمله عوامل موثر در ایجاد بحران هستند. بحران بانکی همچنین موجب از بین رفتن اعتماد به نهادهای مالی، هجوم بانکی و ورشکستگی آن ها و در نتیجه پایمال شدن حقوق تمامی ذی نفعان این موسسات نظیر سهامداران، سپرده گذاران، اشخاص طرف قرارداد و حتی جامعه و دولت می شود [۸].

در حاکمیت شرکتی به موضوع هایی نظیر نقش سهامداران و روابط آن ها و کنترل مناسب شرکت ها، مسئولیت پاسخگویی هیأت مدیره، بهبود عملکرد و اثربخشی هیأت مدیره، نقش کمیته های تخصصی نظیر کمیته حسابرسی، ریسک، تطبیق، کمیته تعیین دستمزد و پاداش، نقش حسابرسان و نظام حسابداری و کنترل های داخلی، استقلال هیأت مدیره، وجود توازن قوای مطلوب در سطح هیأت مدیره و استفاده از اعضای غیرموظف و حفظ منافع تمامی ذی نفعان تاکید ویژه ای شده و استفاده از مولفه های یاد شده موجب ایجاد ثبات و امنیت در بانک ها و موسسات واسطه گر مالی دیگر نظیر شرکت های بیمه و در نتیجه اقتصاد جامعه می شود. ایجاد استانداردها و محدودیت های هدفمند برای هدایت و کنترل مؤسسات واسطه گر مالی به نحوی که بتواند حافظ منافع تمام ذی نفعان شود، باعث کاهش هزینه ها و ریسک و در نتیجه حفظ منافع آن ها می شود. این شرایط موجب می شود بانک ها در شرایط بحرانی، عملکرد و واکنش مناسب تری برای عبور از وضعیت نامطلوب داشته باشند و از شرایط خطر و ورشکستگی تا اندازه قابل توجهی مصون بمانند [۹]. اهداف اصلی در نظام موثر کنترل های داخلی در موسسات اعتباری و سایر موسسات واسطه گر مالی شامل مواردی نظیر دستیابی به اهداف موسسه اعتباری، حصول اطمینان از اثربخشی و کارایی عملیات، مدیریت کارآمد ریسک های محیطی، حصول اطمینان از عملکرد مناسب نظام گزارش گری مالی و مدیریت و ارتقای شفافیت آن، حصول اطمینان از پایبند بودن تمام واحدها و کارکنان موسسه به رعایت قوانین و مقررات مربوطه، راهبردها و برنامه و ضوابط داخلی و در نهایت محافظت از منابع و دارایی های موسسه در برابر هرگونه سوء استفاده و خسارت و زیان و اختلاس است [۲]. کنترل ریسک های موجود در محیط بانکی نظیر ریسک اعتباری، ریسک نقدینگی، ریسک عملیاتی و در مواردی نظیر وقفه های عملیاتی، بروز جرایم و ریسک محصولات و عملکرد کاری نیروی انسانی، کنترل ریسک بازار، ریسک قانونی و... می باشد. کنترل های داخلی در واقع روشی است که ریسک را مدیریت می کند و در عمل پاسخی به ریسک های موجود در محیط موسسه است [۱۰].

در این تحقیق سعی بر آن است تا مشخص شود:

۱. چه عواملی در بروز بحران و همچنین ورشکستگی بانک های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار موثرند؟
۲. آیا مولفه های حاکمیت شرکتی در بروز بحران موسسات واسطه گر مالی موثرند؟
۳. چگونه می توان عوامل موثر در بروز بحران مالی موسسات مالی به ویژه بانک های خصوصی را کاهش داد؟

اهمیت تحقیق

از آنجا که حاکمیت شرکتی قوی در موسسات مالی از جمله بانک ها، مهم ترین ابزار جلوگیری از فساد محسوب می شود و با توجه به خطراتی که توقف و ورشکستگی بانک ها به عنوان اصلی ترین موسسات واسطه گر مالی برای اقتصاد کشور ایجاد می کند و به تعبیری آثار آن از جنگ مخرب تر و یک فاجعه برای اقتصاد کشور محسوب می شود بررسی عوامل موثر در بروز بحران مالی و تبیین روش هایی برای جلوگیری از بروز عوامل موصوف ضروری است.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع پژوهش های کاربردی است زیرا کاوشی به منظور کسب دانش علمی جدید می باشد و از نظر ماهیت و روش از نوع توصیفی-همبستگی است زیرا به توصیف و تفسیر شرایط و روابط موجود می پردازد و وضعیت کنونی موضوع مورد بحث را مورد مطالعه قرار می دهد و چون به بررسی روابط دو متغیر می پردازد و برای محاسبه میزان ارتباط بین این دو متغیر از ضرایب مختلف همبستگی استفاده می کنیم.

فرضیه های تحقیق

فرضیه اصلی تحقیق

بین مولفه های حاکمیت شرکتی و بروز بحران مالی در بانک های خصوصی ارتباط معنی داری وجود دارد.

فرضیه های فرعی تحقیق

بین وجود سهامدار نهادی و بروز بحران مالی در بانک های خصوصی ارتباط معنی داری وجود دارد.

بین درصد مالکیت دولتی و بروز بحران مالی در بانک های خصوصی ارتباط معنی داری وجود دارد.

بین نسبت اعضای غیرموظف هیأت مدیره و بروز بحران مالی در بانک های خصوصی ارتباط معنی داری وجود دارد.

بین وجود کمیته حسابرسی و بروز بحران مالی در بانک های خصوصی ارتباط معنی داری وجود دارد.

بین وجود کمیته ریسک و بروز بحران مالی در بانک های خصوصی ارتباط معنی داری وجود دارد.

بررسی فرضیه های پژوهش

آزمون فرض در علم آمار روشی برای بررسی ادعاها یا فرض ها درباره پارامترهای توزیع در جوامع آماری است. در این روش فرض صفر یا فرض اولیه مورد بررسی ست که متناسب با موضوع مطالعه فرضی به عنوان فرض بدیل یا فرض مقابل انتخاب می شود تا درستی هر کدام نسبت به هم، مورد آزمون قرار گیرد. هدف اصلی این تحقیق تبیین رابطه بین مولفه های حاکمیت شرکتی و بروز بحران در بانک ها می باشد که در این راستا در پژوهش جاری پنج فرضیه مطرح شده است البته هر یک از فرضیه باید با شاخص های پنج گانه بحران مالی برازش داده شده و سپس در خصوص رد یا پذیرش آنها تصمیم گرفت. اطلاعات جمع آوری شده در این پژوهش مربوط به ۱۰ بانک در بورس اوراق بهادار تهران در سال های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷ است، که نوعی داده های مقطعی زمانی و یا به عبارت دقیقتر داده های ترکیبی می باشند، لذا برای اجرای مدل های رگرسیونی بیان شده در فصل سوم از مدل های پانل دیتا استفاده خواهیم نمود. در روش داده های ترکیبی برای انتخاب بین روش های پانل و پولینگ از آزمون F لیمر استفاده می شود که آماره آن به صورت زیر می باشد.

$$F_0 = \frac{(RRSS - URSS)/(N - 1)}{URSS/(NT - N - K)} \sim F_{N-1, N(T-1)-K}$$

که در آن RRSS مربوط به رگرسیون مقید، URSS مربوط به رگرسیون غیر مقید، N تعداد مشاهدات و K تعداد پارامترها در رگرسیون غیر مقید می باشند. در صورت انتخاب روش پانل، آزمون هاسمن برای انتخاب روش های اثرات ثابت و اثرات تصادفی انجام می گردد. افزودن بر این، برای آزمون مانایی متغیرها، در صورت استفاده از روش پولینگ، از آزمون دیکی فولر و در صورت انتخاب روش پانل، از آزمون هادری استفاده خواهیم نمود. نهایتاً فرضیه های پژوهش را با کمک آزمون t، و آزمون F فیشر و ضریب تعیین مورد ارزیابی قرار خواهیم داد.

بین مولفه های حاکمیت شرکتی و بروز بحران مالی در بانک های خصوصی ارتباط معنی داری وجود دارد.

مولفه های حاکمیت شرکتی در این پژوهش وجود سهامدار نهادی، درصد مالکیت دولتی، نسبت اعضای غیر موظف هیئت مدیره، وجود کمیته حسابرسی و وجود کمیته ریسک می باشند لذا برای اظهار نظر در خصوص فرضیه فوق باید پنج فرضیه زیر را مورد آزمون قرار دهیم. البته آنچنان که مطرح شد در این تحقیق برای شاخص بروز بحران مالی نیز پنج شاخص وجود دارد و برای ارزیابی فرضیه های تحقیق دو راه حل داریم یا اینکه در پنج مدل رگرسیونی جداگانه در هر یک از شاخص

های بحران مالی را به عنوان متغیر وابسته در نظر بگیریم و یا آنکه با کمک تابع تفکیکی خطی معیاری را به عنوان بحران مالی بانک ها محاسبه نماییم.

برای تشریح تابع تفکیکی خطی فرض کنید ما دو جامعه داریم، که در آن، بردار: $n_1, X_1 = [x_1, x_2, \dots, x_{n_1}]$ مشاهده از جامعه ۱ و $n_2, X_2 = [x_{n_1+1}, x_{n_1+2}, \dots, x_{n_1+n_2}]$ مشاهده از جامعه ۲ می باشند که هر دو p متغیر تفکیکی دارند. فیشر (۱۹۳۶) یک تابع خطی برای طبقه بندی یک عنصر در یک جامعه متفاوت پیشنهاد کرد. روش تفکیکی فیشر p بردار را از طریق یک تابع خطی به ارزش های واقعی نسبت می دهد:

$$l(x) = a^t x$$

او تلاش کرد این دو جامعه را تا آنجا که امکان دارد تفکیک کند. فیشر بردار $\hat{a}$ را به عنوان بهینه ساز تابع تفکیکی $|S(a)|$ ارائه کرد؛ یعنی:

$$S(a) = \frac{\bar{y}_1 - \bar{y}_2}{S_y}$$

در اینجا میانگین متغیرهای تبدیل یافته هستند. چنانچه مشاهدات تبدیل یافته $y_1, y_2, \dots, y_{n_1}$ و $y_{n_1+1}, y_{n_1+2}, \dots, y_{n_1+n_2}$ به طور کامل تفکیک شوند، $|\bar{y}_1 - \bar{y}_2|$ باید بزرگ باشد، زیرا تغییرات منظم داده های تبدیل یافته که به وسیله S_y انعکاس یافته نیز در نظر گرفته شده است. ترکیب خطی $a^t x$ نسبت $S(a) = \frac{(\bar{y}_1 - \bar{y}_2)^2}{S_y}$ را ماکزیمم می کند، هر گاه :

$$\hat{a} = S_{Pooled}^{-1}(\bar{X}_1 - \bar{X}_2)^t$$

X_i متعلق به جامعه اول است اگر:

$$y_i = S_{Pooled}^{-1}(\bar{X}_1 - \bar{X}_2)^t X_i \geq \hat{m}$$

یا X_i متعلق به جامعه دوم است اگر:

$$y_i < \hat{m}$$

که در آن

$$\hat{m} = \frac{(\bar{X}_1 - \bar{X}_2)^t S_{Pooled}^{-1}(\bar{X}_1 + \bar{X}_2)}{2}$$

حال با تعیین مقادیر a_i به روش تحلیل تفکیکی خطی مقدار بحران مالی را تعیین و به ارزیابی فرضیه های تحقیق خواهیم پرداخت.

$$P = -0.481 * K_1 + 8.177 * K_2 + 2.596 * K_3 - 8.632 * K_4 + 3.045 * K_5$$

که در آن K_i ها به ترتیب نسبت های سود انباشته به دارایی ها، سرمایه در گردش به دارایی ها، حقوق صاحبان سهام به بدهی ها، دارایی جاری به بدهی جاری و کل بدهی به کل دارایی می باشند. نقطه تمیز (Cut off) بانک های دارای بحران مالی از بانک های فاقد بحران مالی در این مدل عدد ۱۰/۵۲۴ می باشد که با استفاده از مدل تحلیل تفکیکی خطی محاسبه گردیده است. این نقطه به گونه ای محاسبه شده است که بهترین طبقه بندی را برای شرکت های دارای بحران مالی و فاقد بحران مالی ارائه می نماید. حال با محاسبه شاخص مذکور مدل رگرسیونی زیر را برای ارزیابی فرضیه های تحقیق برآزش می دهیم.

Financial crisis

$$= \beta_0 + \beta_1 low_i + \beta_2 Gow_i + \beta_3 Om_i + \beta_4 Ac_i + \beta_5 Ar_i + \beta_6 Np_i + \beta_7 size_i + \varepsilon_i$$

که در آن low_i سهامدار نهادی، Gow_i درصد مالکیت دولتی، Om_i نسبت اعضای غیرموظف هیأت مدیره، Ac_i وجود کمیته حسابرسی، Ar_i وجود کمیته ریسک، Np_i سود ویژه و $size_i$ اندازه شرکت می باشند؛ در گام اول اجرای مدل رگرسیونی تحقیق با استفاده از آزمون F لیمر می توان وجود ناهمگنی را در بین مقاطع مشخص کرد. فرضیه صفر آماره F مبتنی بر همگن بودن مقاطع (پولینگ دیتا بودن داده های آماری) است. چنانچه فرضیه صفر رد شود، فرضیه مقابل آن مبتنی

بر وجود ناهمگنی بین مقاطع (پانل دیتا بودن داده های آماری) پذیرفته می شود. در حقیقت اگر F لیمر محاسبه شده از F لیمر جدول کوچکتر باشد از داده های تلفیقی و در غیر این صورت از داده های تابلویی استفاده می شود.

نتایج حاصل از آزمون F لیمر جهت تعیین روش پانل یا پولینگ

سطح معناداری	درجه آزادی	آماره آزمون	آماره F لیمر
0.0000	(9,43)	28.979166	

نتایج آزمون مذکور بیانگر رد فرضیه صفر و وجود ناهمگنی بین مقاطع در سطح ۵ درصد می باشد. در واقع بیانگر مناسب بودن روش پانل دیتا برای برآورد مدل می باشد. بنابراین برای تعیین اثرات ثابت یا اثرات تصادفی از آزمون هاسمن استفاده نموده ایم که نتایج آن در جدول زیر ارائه شده است.

آزمون هاسمن جهت تعیین اثرات ثابت یا تصادفی

سطح معناداری	درجه آزادی	آماره آزمون
0.9999	7	0.000012

نتایج بیانگر آن است که در این مورد فرضیه صفر پذیرفته شده و اثرات تصادفی برای برآورد مدل مناسب است. با عنایت به یافته های تحقیق روش تخمینی پانل دیتا با اثرات تصادفی می باشد. نتایج برازش مدل رگرسیونی چند متغیره با در نظر گرفتن دو متغیر اندازه شرکت و سود ویژه به عنوان متغیرهای کنترلی با کمک شاخص های بحران مالی در جدول زیر ارائه شده اند.

برآورد ضرایب مدل چند گانه با اثرات ثابت

متغیرها	ضرایب	آماره t	سطح معناداری $p - value$	نتیجه آزمون
ضریب ثابت	0.275224	0.079825	0.9367	—
سهامداران نهادی	-0.000173	-2.460727	0.0172	معکوس و معنادار
درصد مالکیت دولتی	0.003731	3.142992	0.0028	مستقیم و معنادار
نسبت اعضای غیرموظف	-0.065324	-0.105902	0.9162	رد فرضیه
وجود کمیته حسابرسی	0.787265	1.842645	0.0723	رد فرضیه
وجود کمیته ریسک	-0.189097	-0.461473	0.6468	رد فرضیه
سود ویژه	-2.58E-08	-0.602617	0.5499	—
اندازه شرکت	0.565524	3.095521	0.0035	مستقیم و معنادار
نتایج کلی مدل	آماره دوربین واتسون	2.158534	ضریب تعیین	0.842040
	آماره F (فیشر)	20.65705	سطح معناداری	0.000000

ضریب تعیین مدل فوق بیانگر آن است که ۸۴/۲۰ درصد از تغییرات شاخص بحران مالی بر اثر تغییرات متغیرهای مستقل و کنترلی مدل می باشد. آماره فیشر ($F_{df_1=7, df_2=41} = ۲۰/۶۵$) و بیشتر از آماره متناظر در جدول فیشر می باشد لذا مدل برازش داده شده معنادار بوده و از کارایی قابل قبول برخوردار می باشد. ($p - value = ۰/۰۰۰ < ۰/۰۵$) با عنایت به برقرار شرایط اعتبار مدل در ادامه با کمک آماره آزمون t و سطح اطمینان متناظر با آن فرضیه های تحقیق را مورد ارزیابی قرار می دهیم.

رابطه ی بین سهامداران نهادی و شاخص بحران مالی معکوس و معنادار می باشد. با عنایت به معنادار شدن فرض صفر و اطلاعات جمع آوری شده، فرضیه اول پژوهش مبنی براینکه "بین وجود سهامدار نهادی و بروز بحران در بانک ارتباط معنی

داری وجود دارد." با اطمینان ۰/۹۵ تأیید می گردد. به عبارت دقیقتر رابطه ی بین درصد مالکیت دولتی و شاخص میزان بحران مالی مستقیم و معنادار می باشد. با عنایت به معنادار شدن فرض صفر و اطلاعات جمع آوری شده، فرضیه دوم پژوهش مبنی براینکه " بین درصد مالکیت دولتی و بروز بحران در بانک ارتباط معنی داری وجود دارد. " با اطمینان ۰/۹۵ تأیید می گردد.

با عنایت به معنادار نشدن فرض صفر، فرضیه سوم پژوهش مبنی براینکه " بین نسبت اعضای غیرموظف هیأت مدیره و بروز بحران در بانک ارتباط معنی داری وجود دارد. " با اطمینان ۰/۹۵ رد می گردد.

با عنایت به معنادار نشدن فرض صفر، فرضیه چهارم پژوهش مبنی براینکه " بین وجود کمیته حسابرسی و بروز بحران در بانک ارتباط معنی داری وجود دارد. " با اطمینان ۰/۹۵ رد می گردد. البته توجه داشته باشید در صورتی که فرضیه در سطح اطمینان ۰/۹۰ مورد تحلیل قرار دهیم پذیرفته خواهد شد.

با عنایت به معنادار نشدن فرض صفر، فرضیه پنجم پژوهش مبنی براینکه " بین وجود کمیته ریسک و بروز بحران در بانک ارتباط معنی داری وجود دارد. " با اطمینان ۰/۹۵ رد می گردد.

با توجه به فرضیه های فرعی پژوهش نتیجه می گیریم که در صورتی که مولفه های حاکمیت شرکتی، وجود سهامدار نهادی و درصد مالکیت دولتی باشند فرضیه اصلی " بین مولفه های حاکمیت شرکتی و بروز بحران در بانکها ارتباط معنی داری وجود دارد " تحقیق مبنی بر اینکه با اطمینان ۰/۹۵ تأیید می شود.

نتیجه گیری

در این تحقیق علل بروز بحران مالی در مؤسسات واسطه گر مالی، به ویژه بانکها و همچنین نقش ساز و کارهای حاکمیت شرکتی در پیشگیری از بروز بحران در این مؤسسات بررسی شده است. با توجه به اینکه بررسی علل بروز بحران مالی و ورشکستگی بانکها و سایر مؤسسات واسطه گر مالی در قالب مطالعات کتابخانه ای و بررسی رابطه بین مؤلفه های حاکمیت شرکتی در عملکرد شرکت و پیشگیری از بروز بحران مالی در این مؤسسات براساس تحلیل های رگرسیونی انجام گرفته است. اگر چه حاکمیت شرکتی ضعیف می تواند منجر به بی ثباتی مالی شده و در نتیجه وضعیت کلی ریسک شرکتها و سازمانها را افزایش دهد؛ لیکن این وضعیت در خصوص بانکها و مؤسسات مالی حادثتر است. به بیانی دیگر، ضعف حاکمیت شرکتی در بانکها و مؤسسات مالی توان آنها را برای شناسایی، نظارت و مدیریت ریسکهای پیشرو کاهش داده و می تواند به اعطای تسهیلات با کیفیت پایین یا ریسک پذیری بیش از حد مؤسسات مالی بینجامد و بسته به شرایط بازارها و مؤسسات مالی، این ریسکها می تواند به سطح وسیع تری از نظام مالی شیوع پیدا کند و به بی ثباتی های مالی و ورشکستگی های احتمالی بینجامد. و در صورتی که میزان سهامداران دولتی بیشتر باشد احتمال بروز بحران مالی بیشتر خواهد شد لذا برای جلوگیری از بروز بحران مالی می توان سهامداران نهادی را افزایش داده و به سمت خصوصی سازی حرکت کرد. در حقیقت نتایج تحقیق بیانگر این واقعیت می باشد که با توجه به منابع در اختیار، بانک های خصوصی عملکرد قابل قبول تری نسبت به بانک های دولتی داشته اند.

منابع و مراجع

- [۱] اسکینی، ربیعا. ۱۳۸۹. ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته. تهران. انتشارات سمت. ۱۳۸۹.
- [۲] الله داد، مرتضی (تدوین کننده)، ۱۳۹۰. مجموعه مقالات بیست و دومین همایش بانکداری اسلامی. تهران: موسسه عالی بانکداری ایران.
- [۳] بهشتی لنگرودی. احمد. ۱۳۹۱. رابطه حاکمیت شرکتها و بحران مالی. بیست و سومین همایش بانکداری اسلامی.
- [۴] حساس یگانه، یحیی. "حاکمیت شرکتی، حسابرسی، و کمیته حسابرسی: حسابدار. " سال بیست و سوم، شماره ۲۰۰، آبان ۱۳۸۸.
- [۵] رهبر. احسان. ۱۳۹۰. بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و بافت مالی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی - دانشکده مدیریت.
- [۶] لاری دشت بیاض. محمود، دل مراد خزایی و احسان یاسینی. ۱۳۹۳. بحران مالی موسسات واسطه گر مالی و رابطه آن با حاکمیت شرکتها. اولین کنفرانس بین المللی حماسه سیاسی با رویکردی بر تحولات خاورمیانه و حماسه اقتصادی با رویکردی بر مدیریت و حسابداری.
- [7] Gedajlovic, E., and D. Shapiro. (2002). Ownership structure and firm profitability in Japan. *Academy of Management Journal*. 45:565-575.
- [8] Gompers, P., J. Ishii, and A. Metrick. 2003. Corporate governance and equity prices. *Quarterly Journal of Economics* (February) 2010.
- [9] Gompers, P., J. Ishii, and A. Metrick. 2003. Corporate governance and equity prices. *Quarterly Journal of Economics* 118(Febuary): 107-155.
- [10] Hasan ,A. , Butt,S. (2009) "Impact of Ownership Structure and Corporate Governance on Capital Structure of Pakistani Listed Companies", *International Journal of Business and Management* , Vol. 4, No.2.
- [11] Polo, Andrea: Corporate Governance of Banks: the Current State of the Debate,
- [12] "Available at: 2007. [Http://mpra. Ub. Uni-muenchen.de/2325/MPRA Paper No.2325](http://mpra. Ub. Uni-muenchen.de/2325/MPRA Paper No.2325).
- [13] Rajkamal, Lyer and Manju, Puri: Who Runs? The Importance of Relationships in Bank Runs, Department of Finance, University of Amsterdam, 2007.
- [14] Reumers, Math: Corporate Governance Practices and Bankruptcy Risk of Banks, School Of Business and Economics, Universities Maastricht, 2011.